

## تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل

حسین رضاپور\*

### چکیده

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیراتی بر نظام بین‌الملل داشته است؟ فرضیه پژوهش این است که انقلاب اسلامی ایران (در سطح ساختاری) ساختار سیاسی نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده و نظام دو قطبی را به چالش طلبیده و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید دولتی (جهان سوم) و غیر دولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) در صحنه ساختار بین‌المللی شده و در (سطح کارکردی) مباحث اصلی عدالت، صلح و امنیت را تحت تأثیر قرار داده است. پژوهش حاضر برای تبیین فرضیه فوق ابتدا به مفاهیم، سپس به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر ساختار نظام بین‌الملل و در ادامه به بررسی عکس‌العمل سایر کشورها در قبال اقدامات انقلاب اسلامی ایران پرداخته است و در خاتمه به این نتیجه دست یافته است که انقلاب اسلامی ایران، به دلیل داشتن ماهیت اسلامی دارای جنبه جهان‌شمولی بوده و با نگاه و بینش جهانی خود، نقش‌ها و رسالت‌هایی را در قبال جهان برای خود طراحی کرده و اصولی را به عنوان سیاست خارجی خود برگزیده و در راستای تحقق آنها گام برداشته و برمی‌دارد که باعث شده است انقلاب اسلامی، منشأ تأثیرات، تغییرات و تحولات متعددی بر نظام بین‌الملل باشد.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل، نظام دو قطبی، بیداری اسلامی، عدالت، صلح و امنیت جهانی.

\*. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

r.hosein14@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۲۰

## مقدمه

هرچند نباید نقش تحولات غیرانقلابی را در ساختن نظام بین‌الملل نادیده گرفت؛ اما نقش بارز انقلاب‌ها و تحولات انقلابی در این زمینه قابل انکار نیست؛ (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۷۲) حتی انقلاب پایه و مبنایی برای نظام دو قطبی به وجود آورد، به مسابقه تسلیحاتی دامن زد و موارد متعددی از رقابت بین ابرقدرت‌ها را باعث شد؛ ثبات سیاسی داخلی قدرت‌های عمده را نیز در معرض تهدید قرار داد.

انقلاب اسلامی ایران دارای نظام ارزشی برگرفته از اعتقادات و مبانی اسلامی است که مبنای رفتارهای آن است، در بعضی موارد با قواعد و هنجارهای بین‌المللی سازگاری و همگرایی دارد و در برخی از زمینه‌ها با آنها تعارض پیدا می‌کند. انقلاب اسلامی برای خود رسالت، تعهد و نقش خاصی در جهان قائل است که ساختار نظام بین‌الملل را به چالش می‌کشد و تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

بنابراین پژوهش حاضر، در صدد است به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر تغییرات و تحولات نظام بین‌الملل پس از پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد.

بر این اساس پرسش اصلی پژوهش این است که: انقلاب اسلامی ایران چه تأثیراتی بر نظام بین‌الملل داشته است؟

فرضیه پژوهش در پاسخ به پرسش فوق عبارت است از اینکه: انقلاب اسلامی ایران (در سطح ساختاری) ساختار سیاسی نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده و نظام دو قطبی را به چالش طلبید و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید دولتی (جهان سوم) و غیر دولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) در صحنه ساختار بین‌المللی شد و در (سطح کارکردی) مباحث اصلی عدالت، صلح و امنیت را تحت تأثیر قرار داده است. برای تبیین فرضیه فوق ابتدا به مفاهیم و سپس به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر ساختار نظام بین‌الملل می‌پردازیم. در ادامه به بررسی عکس‌العمل سایر کشورها در قبال اقدامات انقلاب اسلامی ایران و در خاتمه به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

## مفهوم انقلاب

اگر بخواهیم مفهوم انقلاب را در عرصه روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار دهیم، تعریف و معنای آن تا اندازه زیادی بستگی به عرصه‌ای خواهد داشت که این مفهوم را از آنجا گرفته‌ایم. لذا مفهوم دولت، قدرت، نظام و سیستم را در بعد سیاسی مد نظر قرار می‌دهیم. مفهوم انقلاب نیز در چنین حیطه‌ای معنا پیدا خواهد کرد. بنابراین، در بحثی که در اینجا مطرح خواهد گردید، انقلاب در مفهوم محدود و دقیق خود که توسط اسکاچیل و دیگران تعریف شده است، یعنی در چارچوب انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی مد نظر قرار خواهد گرفت. از این‌رو، انقلاب در معنای اصطلاحی عبارت است از: تحولی سریع و تغییر اساسی در حکومت و ساختارهای طبقاتی به همراه شورش‌های طبقات پایین جامعه. انقلاب‌های اجتماعی از سایر اشکال منازعه قابل تفکیک هستند و به

خصوص در آنها، دو تقارن و هم‌زمانی چشمگیر مشاهده می‌شود: تقارن تغییر و تحول اجتماعی و ساختاری با قیام طبقاتی از یکسو، و تقارن تغییرات سیاسی با تحولات اجتماعی از سوی دیگر. بنابراین انقلاب نه تنها به تغییرات اساسی و بنیادین سیاسی بلکه به دخالت گسترده توده مردم در جریان مبارزه انقلابی برای در تحت کنترل گرفتن قدرت دولت اطلاق می‌گردد. (هالیدی، ۱۳۷۸: ۲۹)

### مفهوم نظام (سیستم) بین‌الملل

نظام از مجموعه‌ای متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل شده است و هرگونه تغییر در هر یک از عناصر تشکیل دهنده نظام به سایر بخش‌های آن نیز سرایت می‌کند و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نظام بین‌الملل محیطی است که در آن، واحدهای سیاست بین‌الملل عمل می‌کنند؛ به طوری که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های واحدهای مزبور از نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. (قوام، ۱۳۷۲: ۲۹)

کارکردهای نظام بین‌المللی را باید با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر سیاست بین‌الملل مورد بررسی قرار داد. برای نمونه داده‌های سیاست خارجی و رفتار دولت‌ها در زمان جنگ سرد و تنش‌زدایی کاملاً متفاوت بوده است. (همان: ۳۶) در رشته روابط بین‌الملل، دانشمندان علوم سیاسی معتقد به تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل به دو سیستم عینی و تحلیلی هستند:

۱. سیستم عینی: ناظر به ساختار، یعنی تعداد و نوع بازیگران نظام بین‌الملل است که در سه سطح:

الف) ساختار سیاسی. (نحوه توزیع قدرت، سیستم رقابتی، بازیگران روابط بین‌الملل)

ب) ساختار اقتصادی. (وابستگی نامتقارن اقتصادی، وابستگی اقتصادی)

ج) ساختار فرهنگی. (بحران فرهنگی، مسئله هویت و استقلال فرهنگی)

مورد بررسی قرار می‌گیرند. ولی پژوهش حاضر سعی دارد تأثیر انقلاب اسلامی در سیستم عینی را فقط در ساختار سیاسی (نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل) مورد بررسی قرار دهد.

۲. سیستم تحلیلی: ناظر به کارکرد سیستم بین‌المللی یعنی نوع اتحادها، همکاری‌ها و روابط متقابل بازیگران اصلی و فرعی است که در بحث سطح کارکردی روابط بین‌الملل، یعنی سه بحث اصلی عدالت، صلح و امنیت، نمود پیدا می‌کند.

### انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل

الف) سطح ساختار (ساختار سیاسی)

#### ۱. توزیع قدرت

یک. قبل از انقلاب اسلامی

چگونگی توزیع قدرت بعد از جنگ جهانی دوم، سبب شکل‌گیری ساختار نظام بین‌الملل دو قطبی و باعث

تشدید وابستگی ساختاری کشورهای ضعیف به کشورهای قوی شده و در نتیجه کشورها به دو قسمت استثمارگر و استثمارشونده تقسیم شدند و کشورهای استثمارگر برای دخالت در دیگر کشورها خود را دارای حق می‌دانند.

این ساختار پس از جنگ جهانی دوم و در چارچوب جنگ سرد میان دو ابر قدرت آمریکا و شوروی بر نظام بین‌الملل سایه افکند. براین اساس، هریک از کشورها با توجه به عضویتشان در یکی از بلوک‌بندی‌های قدرت در نظام بین‌الملل و ایجاد پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای، مواضع منسجم و همگونی را در برخورد با قطب دیگر ارائه می‌کردند. (مجرد، ۱۳۸۶: ۵۴ - ۵۱)

#### دو. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

در چنین ساختاری انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و نحوه توزیع قدرت را به چالش کشید و آن را با شعار و سیاست «نه شرقی و نه غربی» زیر سؤال برد؛ زیرا از نظر انقلاب اسلامی ایران، آنچه در ساختار سیاسی عینی نظام بین‌الملل رخ داده، ناشی از روابط سیاسی نابرابر، اعمال سلطه، نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه است. لذا نحوه توزیع قدرت در ساختار سیاسی روابط بین‌الملل، نابرابر و ناقص حقوق ملت‌ها و کشورهای ضعیف و توزیع منابع مادی و طبیعی قدرت در سطح جهان یکسان نبوده است. (همان: ۵۱)

انقلاب اسلامی با تأثیری که بر مجاهدین افغانی در مقابله شجاعانه با شوروی‌ها و بر نظامیان مسلمانی که از آسیای مرکزی و قفقاز به افغانستان آورده می‌شدند و انتقال و گسترش این تأثیرات به جامعه آن کشور داشت، زمینه‌های فروپاشی شوروی را فراهم کرد.

غرب نیز پس از انقلاب اسلامی با از دست دادن ایران، فروپاشی پیمان‌های منطقه‌ای سنتو و سیتو و در نتیجه فراهم شدن زمینه‌های رشد حرکت‌های استقلال‌خواهی، اسلام‌گرا و ضدغربی، قدرت‌ش در منطقه با چالش جدی مواجه شد.

در نتیجه قدرت سومی به رهبری انقلاب اسلامی در جهان شکل گرفت که قدرت شرق و غرب را به چالش کشید. به گونه‌ای که منطقه‌گرایی، دموکراسی‌گرایی و افول سکولاریسم، یعنی چیزی که انقلاب اسلامی از ابتدای ظهور خود در پی آن بود، در جهان و منطقه گسترش پیدا کرد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی این بود که ساختار نظام بین‌الملل را که عمدتاً بر اساس ابزار قدرت مادی شکل گرفته بود، با تکیه بر ابزار معنوی قدرت برهم زد و نشان داد که می‌توان با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و حرکت‌های توده مردم به قدرت رسیده و جامعه را اداره کرد. از این‌رو زنگ خطر جدی برای قدرت‌های سلطه‌گر به صدا درآمد؛ چراکه بیداری اسلامی با وقوع انقلاب اسلامی، شتاب فزاینده‌ای گرفت و گستردگی آن نیز بیشتر شد (از شمال آفریقا تا جنوب شرقی آسیا) و ملت‌های مسلمان، سعادت و خوشبختی خود را در بازگشت و توسل به آموزه‌های اسلامی دیدند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۴۷ - ۴۶)

انقلاب اسلامی با ارائه الگوی رفتاری جدید برای ملل تحت ستم، در ایجاد اعتماد و بیدارسازی آنها نقش مؤثری را ایفا کرد و تلاش کرد تا افکار عمومی آنها را برای ایجاد تغییر و تحول در ساختار بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه، حمایت ایران از ملت‌های محروم و تحت ستم، باعث فعال شدن و تقویت حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش در جهان و منطقه شد. در این میان تأثیر انقلاب اسلامی بر ملت فلسطین و لبنان بیش از همه چشمگیر است. (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۱۹ - ۱۱۰) در جنگ ۳۳ روزه، نظام سلطه امیدواری زیادی داشت که با شکست و نابودی حزب‌الله در حقیقت ضربه‌ای جدی به حرکت و جنبش در حال رشد سلطه‌ستیزان به رهبری ایران اسلامی وارد نماید که با ناکامی جدی مواجه گردید، به طوری که بنیادهای اقتدار رژیم صهیونیستی را به لرزه درآورده و افسانه شکست‌ناپذیری آن را درهم پیچید. (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۶ و ۴۵)

پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن پیروزی نیروهای مقاومت لبنان در سال ۱۹۸۲ م روح تازه‌ای بر جان‌های ملت فلسطین دمید و مجدداً در قالب جنبش‌های اسلامی و حماس تشکیل یافته و انتفاضه اول و دوم را با تکیه بر عملیات جهادی و مقاومت خلق کردند و آن‌چنان صهیونیست‌ها را مستأصل کردند که مجبور به تخلیه نوار غزه و تخریب شهرک‌های صهیونیست‌نشین در آن منطقه شدند و برای اولین بار ملت فلسطین نه در پای میز مصالحه و سازش بلکه در سایه مقاومت، جهاد و شهادت این رژیم را وادار به عقب نشینی کردند و به دنبال آن در یک انتخابات آزاد، نیروهای اسلام‌گرا بر نیروهای ملی‌گرا فائق آمده و دولت فلسطین را در کنترل خود گرفتند. (همان: ۳۹ - ۳۸) آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م با حمله به افغانستان و عراق در چهارچوب طرح «خاورمیانه بزرگ» نه تنها با ناکامی مواجه گردید بلکه موجب آزادی ملت‌های مسلمان دیگر منطقه و اقتدار بستر این نیروها به ویژه ظهور و شناسایی ایران اسلامی به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای گردید. (همان: ۴۳ - ۴۲)

بحران‌های شاخ آفریقا یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در دو دهه اخیر در رسانه‌های گروهی بین‌الملل مطرح بوده است. در سال ۱۹۹۲ م آمریکا برای دسترسی به این منطقه استراتژیک به بهانه حفظ نظم و حقوق بشر به کشور سومالی حمله کرد، اما مقاومت شدید مردمی طوری عرصه را بر سلطه‌گران سخت ساخت که باعث شد با دادن تعدادی کشته و زخمی از این کشور خارج شوند. در الجزایر و ترکیه نیز نیروهای اسلام‌گرا با استفاده از سازوکارهای انتخاباتی تلاش کردند که مرحله به مرحله قدرت را از دولت‌های لائیک تحت نفوذ غرب بیرون آورند. ابتدا در انتخابات شهرداری‌ها و سپس در انتخابات پارلمان پیروزی‌های شگفت‌انگیزی به دست آوردند. (همان: ۴۰ - ۳۷)

در آمریکای لاتین هم که به مدت یک قرن و نیم در سایه دکتورین مونروئه، حیات خلوت آمریکا به حساب می‌آمد، در سال ۱۹۷۹ م هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران، انقلاب نیکاراگوئه بدون حمایت شوروی شکل گرفت و بعد از انقلاب کوبا دومین ضربه‌ای بود که بر پیکر سلطه در آن منطقه وارد آمد و دیری نپایید

۱. یک الگو چیزی است که ساخته می‌شود تا برای ساختن نمونه‌های دیگر سرمشق قرار گیرد. (نیک‌گهر، ۱۳۷۳: ۱۵۵)

که موجب بیداری و قیام عمومی مردم محروم و استثمار شده این قاره علیه سلطه‌گران آمریکایی گردید و آثار آن در ونزوئلا، بولیوی، اکوادور، شیلی و برزیل موجب به قدرت رسیدن نیروهای مردمی ضدسلطه گردید. حتی در این کشورها ملی‌گرایی مترادف با ضدیت با آمریکا شده، (همان: ۵۳ - ۴۸) به طوری که همراهی و نزدیکی این کشورها با ایران اسلامی در دهه گذشته در سطح بین‌الملل بسیار گسترده‌تر شده است.

در کشورهای غربی نیز، در مقابل حرکت سلطه‌گران غربی به نام «جهانی‌سازی»، جنبش مردمی به نام «جنبش ضد جهانی‌سازی» شکل گرفته که همه‌ساله در محل اجلاس سران کشورهای صنعتی، با تجمع و انجام تظاهرات گسترده مخالفت خود را ابراز می‌دارند. در کنار این جنبش، شورش مدنی و جنبش «ضد جنگ» نیز عرصه را بر سلطه‌گران حتی در سرزمین‌های خود تنگ‌تر می‌کنند. (همان: ۵۱)

در مجموع در مقابله با ساختار سلطه نظام بین‌الملل یک نهضت عمومی در سراسر جهان شکل گرفته که موجب گردیده پارامتر جدیدی و در واقع بازیگران تازه‌ای غیر از دولت‌ها در صحنه روابط بین‌الملل ظهور پیدا کنند که در محاسبات قبلی بازیگران نظام سلطه نمی‌گنجید و معنا و مفهومی نداشت. (همان: ۵۳) با توجه به شرایط جدید منطقه، پیروزی لبنان، غزه و موفقیت‌های ارتش سوریه بر مخالفان سوریه (که از طرف غرب، رژیم صهیونیستی و متحدان عربی آنها حمایت و کمک نظامی، انسانی و اقتصادی می‌شوند)، حمایت کشورهای روسیه، چین، عراق، لبنان، مصر و ... از موضع ایران در مورد سوریه، بیداری اسلامی در منطقه و جدایی مصر، تونس، لیبی و یمن از سلطه آمریکا نمونه‌هایی از تأثیر انقلاب ایران بر توزیع قدرت در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای است و ایران توانسته برتری قدرت غرب در سطح بین‌الملل و منطقه را به چالش بکشد.

## ۲. بازیگران روابط بین‌الملل

### یک. دولت‌ها

دولت عبارت است از عده‌ای مردم که در سرزمین مشخص به طور دائم اسکان دارند و دارای حکومت و حاکمیتی هستند که به صورت روح حاکم و قدرت عالی، آنها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد. (قوام، ۱۳۷۲: ۱۸) ساختار دولت‌ها در نظام بین‌الملل، در یک تقسیم‌بندی به صورت کلی به دو اردوگاه تقسیم می‌شوند. نخست، دولت‌هایی که قدرت دارند و از آن برای استثمار و استیلا بر دیگران استفاده می‌کنند؛ دوم، دولت‌هایی که قدرت ندارند و مورد بهره‌کشی و استثمار قرار می‌گیرند و به تعبیر حضرت امام علیه السلام اردوی مستضعفین است. بنابراین، انقلاب اسلامی ایران بر اساس اندیشه حضرت امام علیه السلام به جای تأکید بر دولت‌ها (تعداد بازیگران)، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط در نظام بین‌الملل را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و به عنوان مثال، نظام دوقطبی را با طرد ایدئولوژی کمونیسم و کاپیتالیسم با چالش روبه‌رو می‌کند (همان: ۲۶۶) و ایدئولوژی و الگوی جدیدی را با عنوان اسلام سیاسی و انقلابی به جهانیان اعلام می‌کند و نظامی را مطلوب تلقی می‌کند که در آن، قدرت به طور متوازن بین ملت‌ها توزیع شده باشد.

**دو. ملتها**

انقلاب اسلامی ایران برای ملتها به عنوان بازیگران غیر حکومتی، اهمیت و ارزش بیشتری قائل است. بنابراین، خطاب مسئولان انقلاب اسلامی به ویژه حضرت امام علیه السلام و جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحث صدور اندیشه‌های اسلامی و انقلابی بیشتر ملتها بوده است تا دولت‌ها.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی به دلیل دینی بودن، از ابعاد گوناگون خداپرستی و ایمان، استقلال، برابری، آزادی، عدالت و توسعه همه‌جانبه برخوردار است. این امر که بیانگر ارائه یک راه جدید در اداره کشورها و روابط خارجی آنهاست، توانسته در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طرفداران بی‌شماری از توده‌های مردم تا نخبگان و حتی نخبگان سیاسی در سراسر جهان بیابد. این امر در نقاط مختلف جهان چالش‌های جدی برای غرب ایجاد کرده و به مرور زمان، بر شدت آن افزوده شده است. بدین ترتیب، ماهیت، ایدئولوژی و رهبری انقلاب اسلامی توانسته است در نقاط مختلف جهان، به ویژه جهان اسلام، حرکت‌های اصول‌گرایی اسلامی پدید آورده یا حرکت‌های منفعل قبلی را فعال سازد. در این میان، پیدایش برخی از این حرکت‌ها، برای غرب و وابستگانش، خرد کننده بوده است. مانند ظهور حرکت‌های اسلامی در فلسطین، لبنان، ترکیه و شمال آفریقا. (به‌ویژه انقلاب مردمی تونس، مصر و لیبی) (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۵۴، ۵۷، ۵۸)

**سه. سازمان‌های بین‌المللی**

سازمان بین‌المللی را می‌توان مجمعی از دولت‌ها دانست که با عقد قرارداد میان اعضای آن ایجاد می‌شود و با داشتن یک نظام یا مجموعه‌ای از دستگاه‌ها، وظیفه‌اش تعقیب هدف‌های مربوط به مصالح مشترک، از طریق همکاری میان اعضای آن است. (آقایی، ۱۳۸۱: ۲۶ - ۲۵)

سازمان‌های بین‌المللی، هم از رفتار و عملکرد دولت‌ها در رابطه با یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و هم بر آنها اثر می‌گذارند. بدین لحاظ، اراده، فعالیت، مشارکت و توافق دولت‌ها، نقش‌های تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و استمرار فعالیت سازمان‌های بین‌المللی ایفا می‌کند. (همان: ۲۹) مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی عبارتند از:

**۱. سازمان ملل متحد**

دیدگاه هیئت حاکمه ایران، پیش از پیروزی انقلاب نسبت به نقش سازمان ملل متحد، تابعی از نظرات و آرای کشورهای غربی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و با نفوذ دولت‌های قدرتمند غربی در سازمان ملل متحد - که در بیشتر موارد منجر به اتخاذ مواضع منفی نسبت به جمهوری اسلامی ایران گردید - ایران نیز کم‌کم با بدبینی به سازمان ملل متحد نگرست. این امر پس از قضیه اشغال سفارت آمریکا و به ویژه، با عدم واکنش مناسب شورای امنیت در جریان تجاوز نظامی عراق به ایران، شدت گرفت. (همان: ۸۶)

جمهوری اسلامی ایران، به شدت با حق و تو که بر خلاف عقل، منطق و حتی مغایر با برخی از اصول منشور ملل متحد می‌باشد، مخالف است و آن را در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی دنبال می‌کند. از نظر ایران، شورای امنیت نباید به عنوان باشگاه ثروتمندان تلقی گردد. (ولایتی، ۱۳۷۵: ۱۱)

ایران علاوه بر موارد فوق به تقویت نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اصلاح کار دبیرخانه، روش محاسبه سهمیه کشورها و ادغام بعضی از بخشی‌های سازمان تأکید دارد. (همان)

## ۲. سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی با ۵۵ عضو در چهار قاره جهان تنها نهاد بین‌المللی دولتی است که به کشورهای اسلامی اختصاص دارد. همچنین در کنار جنبش عدم تعهد از معدود مراکز بین‌المللی دولتی به شمار می‌آید که فرایند تشکیل آنها، براساس ارزش‌های ایدئولوژیک پایه‌ریزی شده است. (آقایی، ۱۳۸۱: ۲۱۵، ۲۱۸ - ۲۱۷) انقلاب اسلامی، حامل ارزش‌ها و پیام‌هایی بود که سازمان را از چند جهت تحت فشار قرار می‌داد: اولاً، انقلاب اسلامی حرکتی مردمی و نیرومند براساس اسلام‌خواهی و جمهوری بود. این پیروزی، نظام‌های سنتی و محافظه‌کار مسلط بر سازمان را در شرایط سخت قرار می‌داد. ثانیاً، انقلاب اسلامی با تمام قدرت، تفکر جدیدی برای فراخواندن مسلمانان به وحدت اسلامی مطرح کرد. ثالثاً، ابعاد محافظه‌کارانه و غرب‌گرایی سازمان را به باد انتقاد گرفت و خواهان قطع امید مسلمانان از چنین مراکزی و خواستار سیاست مستقل (نه شرقی و نه غربی) برای خود و سایر کشورهای مسلمان بود. (همان: ۲۲۹ - ۲۲۷)

مهم‌ترین دستاورد این بود که در اجلاس سوم سران در سال ۱۹۸۱ تحت تأثیر و فشار ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی بر اعضای با نفوذ سازمان، برای نخستین بار، جهت آزادی سرزمین‌های اسلامی فلسطین، اعلام جهاد گردید. (همان: ۲۲۹) پس از جنگ تحمیلی، دوره تازه‌ای از روابط ایران و سازمان کنفرانس اسلامی آغاز گردید و با ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی در هشتمین اجلاس سران به اوج خود رسید که داری دستاوردهای مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود. (همان: ۲۳۶ - ۲۳۱؛ برهانی، ۱۳۷۸)

## سه. اوپک

رویکرد انقلابی ایران، پیوند سه‌گانه نفت، اقتصاد و امنیت را به هم زد و به طور کلی سیاست اوپک را تغییر داد. ایران در این دوره به یکپارچگی ملل مسلمان منطقه و مبارزه با استثمارگران خصوصاً آمریکا تأکید داشت و معتقد بود که باید از نفت و افزایش بهای آن به عنوان ابزاری برای ضربه زدن به غرب و احقاق حقوق مسلمانان استفاده کرد. (آقایی، ۱۳۸۱: ۲۶۰ - ۲۵۹) جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای فعال اوپک، همواره نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌ها به ویژه در تعیین قیمت‌ها و هدایت اعضا برای دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان داشته است. حفظ ثبات در بازار جهانی و قیمت‌های نفت نیز از اهمیت ویژه‌ای در دیپلماسی دولت برخوردار بوده و با تلاش‌های ایران همیشه بخش اصلی مذاکرات وزرای نفت اوپک به این موضوع اختصاص داشته است. (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۳۷۴ - ۳۷۳)

## ب) سطح کارکرد

در سطح جهانی، سیستمی مطلوب است که کارکرد واقعی آن بتواند عدالت، صلح و امنیت جهانی را برای تمامی



کشورها به ارمغان آورد. باید کارکرد عینی سیستم بین‌الملل بتواند صلح، امنیت، عدالت و منافع را تضمین کند. انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، کارکرد نظام بین‌الملل را به زیر سؤال برد و آن را با یک چالش جدی مواجه کرد و تعریف جدیدی از عدالت، صلح و امنیت در عرصه بین‌الملل ارائه داد. بنابراین تأثیر انقلاب اسلامی در سطح کارکرد نظام بین‌الملل، ذیل دو مسئله عمده عدالت و صلح مطرح می‌شود.

#### عدالت

یکی از مهم‌ترین اهداف در سطح ساختارهای درونی جوامع و نیز در سطح نظام بین‌الملل، تحقق قسط و عدالت، ذکر شده است. انقلاب اسلامی ایران، کارکرد نظام بین‌الملل را به دلیل خودخواهی، دوری از معنویت، برداشت مادی‌گرایانه از عدالت و رفتار ظالمانه قدرت‌های بزرگ در سلطه‌گری، زیر سؤال برد و به چالش کشید.

#### یک. عدالت به مفهوم غربی

نخستین فردی که در آستانه مدرنیته به تعریف عدالت دست زده است، فیلسوف انگلیسی، توماس هابز می‌باشد. وی در کتاب لویاتان، عدالت را این طور تعریف می‌نماید: «اینکه انسان‌ها قراردادهای منعقد کرده را اجرا نمایند». (حاجی حیدر، ۱۳۸۸) برتراند راسل نیز می‌گوید:

عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آنچه را که به تصدیق عموم، زمینه‌هایی برای نارضایتی مردم فراهم می‌کند به حداقل برساند. (حکیمی، ۱۳۷۶: ۴۴)

نتیجه اینکه مفهوم عدالت، نزد اندیشمندان غربی، امری نسبی و به فراخور زمان‌ها، مکان‌ها، اشخاص و اقوام مختلف، قابل تغییر و یک مفهوم مادی و عرفی محض است. بیشتر حکومت‌های غربی به عناوینی مانند دموکراسی لیبرال، پارلمنتاریستی، اقتصاد کلاسیک آدام اسمیت، اخلاقیات ماتریالیستی غربی و ... که همه از ریشه سیاسی و اجتماعی اومانیزم نشأت گرفته است، وابسته‌اند.

مشکل عدالت بین‌المللی یا جهانی در این است که اتفاق نظری بر سر اصول کلی وجود ندارد و سازمان ملل متحد نیز عدالت را بدون پردازش چارچوب مفهومی و معنایی آن، بلکه با روش برهانی و استقرایی مبتنی بر عملکرد ناعادلانه شورای امنیت پی‌ریزی کرده است. بنابراین، عدالت اجتماعی و جهانی از دیدگاه دموکراتیک غربی، نوعی ظلم و بیدادگری نسبت به انسانیت است. (موسوی، ۱۳۸۰: ۲۰۷ - ۲۰۶)

#### دو. عدالت به مفهوم اسلامی

شهید مطهری در کتاب *عدل الهی* چهار برداشت از عدل را بیان می‌کند: ۱. موزون بودن. ۲. تساوی و برابری و رفع تبعیض. ۳. رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز بر اساس میزان مشارکت آنها. ۴. رعایت استحقاق‌ها.

در بحث عدالت اجتماعی، عدالت به معنای تساوی و برابری و رفع تبعیض، خصوصاً با توجه به اینکه در

این بحث استعدادها و استحقاق‌ها یکسان است مناسب‌تر خواهد بود.

عدالت‌گستری و استقرار نظم مطلوب در سطح نظام بین‌المللی دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. وجه سلبی آن متضمن و مستلزم شالوده‌شکنی نظم بین‌المللی است. وجه ایجابی آن نیز تبیین و ترویج و تثبیت نظم عادلانه اسلامی و فراهم ساختن لوازم آن در نظام جهانی است. جمهوری اسلامی معتقد است به جای رابطه قدرت که خود عامل بی‌عدالتی است، گفتمان عدالت‌محور، می‌تواند جایگزین مناسبی برای گفتمان قدرت در عرصه بین‌المللی باشد. (صادقی، ۱۳۸۸: ۳۰۴ - ۳۰۲)

حضرت امام علیه السلام مظاهر سیاسی عصر چون استعمار، استبداد، ظلم و ستم را نشأت گرفته از مهبجوریت عدالت و فراموشی فطرت و توجه به گرایش شدید به دنیا و دنیاگرایی و ماده‌پرستی می‌داند و می‌فرماید:

ما در عصری به سر می‌بریم که سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸ / ۲۳)

مقام معظم رهبری نیز، فساد و قدرت‌طلبی، فقدان اخلاق و معنویت، بی‌توجهی به مصالح ملت‌ها، استعمار سایر ملت‌ها، تبعیض نژادی، سلطه رسانه‌های قدرت‌های استکباری، اعمال زور با ابزار علم و ... را از شاخصه‌های بی‌عدالتی در جهان می‌داند (صادقی، ۱۳۸۸: ۵۲۸ - ۵۱۴) و می‌فرماید «تحقق حقیقی عدالت با دو مفهوم عقلانیت و معنویت به شدت درهم تنیده است...» (جاویدی، ۱۳۸۵: ۳۳، ۹۰ - ۸۹)

در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، امروز نماد بی‌عدالتی را می‌توان در رفتار شورای امنیت سازمان ملل و سلطه‌گری آمریکا و اسرائیل به عینه مشاهده کرد. (مولانا، ۱۳۸۷: ۱۳)

## صلح و امنیت

### الف) صلح از منظر غرب

در فرهنگ سیاسی، صلح به معنای حالت آرامش در روابط عادی با کشورهای دیگر و فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید است. مفهوم صلح در جهان معاصر دستخوش سه‌گونه تحول شده است:

۱. تحول در ماهیت صلح یا تحول در نگاه جهانی به مفهوم صلح
- مفهوم صلح به لحاظ ماهوی متحول شده است. نگاه امروزی به ماهیت صلح نگاهی متفاوت از گذشته است. صلح منفی «مفهوم سنتی»: صلح در این معنی یعنی عدم جنگ؛ هرگاه کشوری مورد تهدید، توسل به زور یا اعمال خشونت و تجاوز قرار نگیرد صلح تحقق یافته است.<sup>۱</sup>
- صلح مثبت: به معنی استقرار نظام اجتماعی - انسانی که در بر دارنده سه مشخصه اصلی فقدان اعمال زور، آزادی فردی و عدالت اجتماعی و مبتنی بر گذار از حداقل شرایط صلح به سمت حداکثرسازی وضعیت‌هایی

<sup>۱</sup> چنین برداشتی از صلح را گالتونگ صلح منفی می‌نامد «رویکردی حداقلی».

است که در آن زندگی پایدار بشر در همه محیط‌های سیاسی، فرهنگی، تمدنی و جغرافیایی میسر گردد. (ساعد، بی‌تا: ۷ - ۶)

### ۲. تحول مصداقی

مراد از این تحول، گسترش دامنه صلح منفی از مخاصمات بین‌المللی به مخاصمات غیر بین‌المللی است.

### ۳. تحول در اهداف وانگیزه‌های صلح

در حقوق بین‌الملل سنتی برخورد با پدیده صلح تقلیل‌گرا و هدف تمام تلاش‌ها و تدابیری که به منظور استقرار صلح انجام می‌شد حفظ امنیت ملی بود. (بوتول، ۱۳۷۱: ۱۲۵ - ۱۲۴)

شورای امنیت به دلیل سلطه غرب و آمریکا بر آن، اغلب در زمینه صلح منفی اقدام کرده است. سازمان ملل متحد نیز صلح را بدون پردازش چارچوب مفهومی و معنایی آن، بلکه با روش برهانی و استقرایی مبتنی بر عملکرد ناعادلانه شورای امنیت پی‌ریزی کرده است. در نتیجه ادراک معنایی روشن و عام از این مقوله و همچنین ارتباطی که با مسئله «امنیت بین‌المللی» دارد کاملاً در انحصار عملکرد خاص شورای امنیت درآمده است. (ساعد، بی‌تا: ۱۶)

### ب) صلح از نظر اسلام

صلح از نظر اسلام عبارت است از: هم‌زیستی و سازشی که نام خدا را که عبارت از عدالت اجتماعی و امنیت عمومی برای مردم است، روی کره زمین برقرار سازد، نه صرف خودداری از جنگ، به هر قیمتی که تمام شود. (سید قطب، ۱۳۷۴: ۶۲)

از منظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، صلح و امنیت به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و تنها استثنای آن که جنگ را مجاز می‌داند، دفاع مشروع جمعی و فردی است که به عنوان ضرورت حفظ اساس دین و حفظ قلمرو، به کار گرفته می‌شود. (ستوده و دانشیار، ۱۳۸۸: ۳۶)

انقلاب اسلامی، کارکرد نظام بین‌الملل در جهت برقراری صلح و امنیت جهانی را زیر سؤال می‌برد و صلح عادلانه<sup>۱</sup> را مطرح می‌نماید و معتقد است ساختار نظام بین‌الملل خود عامل تهدید کننده صلح و امنیت جهانی است و برقراری صلح و روابط مسالمت‌آمیز فقط از طریق مقابله با ظلم و ستمگری امکان‌پذیر است.

اصالت و نوآوری گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه سلطه‌ستیزی و کوشش برای صلح و آرامش، همان قدر که قدرت و مشروعیت سلطه‌گران و دستگاه‌های تبلیغاتی آنها را به تکاپو انداخته است، آن را نیز بین قشرهای مختلف ملل، به ویژه نزد ملت‌ها و گروه‌هایی که سال‌ها تحت استعمار و استثمار بوده‌اند، با استقبال توأم با هیجان فوق‌العاده روبه‌رو کرده است. (مولانا، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

۱. گفتمان صلح عادلانه، تلاقی عدالت با مقوله صلح انسانی است که در آن، عدالت به مثابه هدف و صلح به عنوان وسیله تلقی می‌گردد.

## کارکرد ایجابی انقلاب اسلامی ایران

سؤالی که در اینجا باید به آن پاسخ دهیم این است: کارکرد ایجابی انقلاب اسلامی ایران چه بوده است؟ و چقدر توانسته است در وضع موجود، تغییرات به وجود آورد؟

انقلاب اسلامی ایران ابتدا با اشغال سفارت آمریکا در تهران به سرعت اقتدار آمریکایی‌ها در منطقه و جهان را مورد تردید جدی قرار داد و ارعاب آمریکایی‌ها برای اولین بار بی‌پاسخ ماند. اساساً بازدارندگی از نظر آمریکایی‌ها، یعنی درک قدرت آنها توسط طرف مقابل و بزرگ‌ترین شکست برای آمریکایی‌ها وقتی است که قدرت و ارعاب آنها توسط طرف مقابل درک نشود و این ناشی از شناخت عمیق امام از مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل بود. (سلامی، ۱۳۸۱: ۲۰۸)

ثانیاً؛ انقلاب اسلامی ایران، مسیر مبارزه علیه اسرائیل را از یک مسیر ملی‌گرایی عربی مرده منجمد، به یک روند اسلام‌گرایی تغییر حالت داد و در جهت جهانی‌سازی مبارزه با صهیونیسم حضرت امام علیه السلام آخرین روز جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز جهانی قدس» اعلام کرد. افزون بر این، احیای مراسم براهت از مشرکین در حج ابراهیمی و ابراز انزجار مسلمانان از جنایات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی و ... موجی از خشم و وحشت را در میان سران رژیم صهیونیستی در قبال انقلاب اسلامی به دنبال داشت. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۳۵ - ۱۳۳) حزب‌الله به عنوان اولین نماد یک سازمان پیروز علیه اسرائیل که افسانه شکست‌ناپذیری این رژیم را بر هم زد، مولود انقلاب اسلامی است. (همان: ۲۱۰)

ثالثاً؛ وقوع انقلاب ایران راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت را دچار تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آنها شد. در رابطه با بلوک غرب، انقلاب اسلامی در کشوری که ژاندارم آمریکا در منطقه بود - کشوری که باید در برابر حرکت‌های ضدغربی بایستد - اتفاق افتاده بود. بنابراین، بلافاصله با انحلال دکترا نیکسون یک شکاف آشکار قدرت در منطقه پدید آمد. ضمناً ایران به سرعت از پیمان سنتو خارج و باعث فروپاشی آن گردید و بدین‌وسیله بین پیمان‌های ناتو و سیتو فاصله افتاد.

در رابطه با بلوک شرق، با پیروزی انقلاب اسلامی، امنیت داخلی و منافع جهانی شوروی تحت‌الشعاع قرار گرفت، انقلاب اسلامی با تغییر ایدئولوژی و ماهیت حرکت‌های انقلابی در جهان اسلام که بسیاری از آنها قبلاً کمونیست یا به شوروی گرایش داشتند، نفوذ بین‌المللی این کشور را تضعیف کرد و بدین‌گونه در شمار علل فروپاشی اتحاد شوروی قرار گرفت. (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۸۲)

رابعاً؛ فعال شدن جنبش بنیادگرایی اسلامی در سه دهه گذشته را می‌توان بازگشت به هویت اسلامی و متأثر از الگوهای رفتاری انقلاب ایران دانست. حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی، مانند نهضت ملی فلسطین، نهضت اخوان المسلمین و جماعة المسلمین در قرن بیستم همواره نمادی از احیاء و مبارزه علیه استعمار و استبداد در جهت وحدت مسلمانان بوده‌اند. (ستوده و دانشیار، ۱۳۸۰: ش ۱۶، ۱۶۸ - ۱۶۷)

انقلاب اسلامی، همچنین با ارائه خط مشی و راهبردهایی همچون دعوت از ملت‌ها برای بازگشت به ارزش‌های اصیلشان، بیان آثار سوء و مخرب سلطه قدرت‌های استکباری بر ملت‌ها، به کارگیری واژه‌های قرآنی استکبار و طاغوت برای استکبار جهانی، ارائه تجربه خویش در مبارزه با قدرت‌های بزرگ و دعوت از ملت‌های تحت سلطه برای الگوگیری از انقلاب اسلامی، اقدام به «ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه در جهان» کرد و به ملت‌های مسلمان، این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی است که می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آنها باشد. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۳۸ - ۱۳۷)

در مجموع با توجه به کارکرد ایجابی انقلاب اسلامی ایران، جامعه جهانی شاهد شکل‌گیری و صف‌بندی دو اردوگاه در مقابل یکدیگر می‌باشد. در یکی از اردوگاه‌ها دولت‌های سلطه‌گر و دولت‌های وابسته به سلطه‌گران حضور دارند و اردوگاه دیگر ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی و دولت‌های برخاسته از درون توده‌های مردم که ستیز خود را با نظام سلطه آغاز کرده و در حال گسترش است تشکیل می‌دهد.

#### الف) اردوگاه سلطه‌گران

می‌توان مدعی شد که رهبری نظام سلطه در این دوران با آمریکا می‌باشد که هم دارای قدرت سخت‌افزاری غالب و هم دارای انگیزه لازم برای استقرار در چنین جایگاهی می‌باشد.

در حلقه دوم سلطه‌گران، اتحادیه اروپا به ویژه قدرت‌های صاحب حق وتو مانند: انگلیس و فرانسه و تا حدودی آلمان قرار گرفته‌اند. در حلقه سوم، دولت‌های توسعه یافته و غیر غربی مانند: ژاپن، چین و روسیه مشاهده می‌گردند و در حلقه چهارم نیز دولت‌های وابسته و تحت نفوذ غرب هستند که دوام و بقای خود را در پشتیبانی و حمایت نظام سلطه می‌بینند و در نتیجه خود به عنوان مهره‌هایی در خدمت سلطه‌گران عمل می‌کنند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۵ - ۵۴)

#### ب) اردوگاه سلطه ستیز

تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخداد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های سلطه‌گر تعارض داشت. برخی از این ارزش‌ها عبارتند از: استقلال، آزادی، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حق طلبی، همکاری، همیاری و از طرف دیگر مبارزه علیه قدرت‌طلبی، غارتگری، زورگویی، انحصارطلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت، تفرقه و اختلاف. انقلاب اسلامی ایران تلاش کرده تا از طریق طرح این ارزش‌ها، افکار عمومی ملت‌های محروم و مستضعف جهان سوم را جهت تغییر و تحول نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های مطرح شده را از طریق تبلیغ و الگودهی تبدیل به هنجار سازد. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱۱) ایران اسلامی امروز به عنوان قدرت برتر منطقه

به رسمیت شناخته شده و ملت‌های جهان به مواضع این کشور نگاه می‌کنند و می‌توان ادعا کرد که نبض ملت‌های محروم جهان با نبض ملت ایران در طپش است. (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۱)

شیعیان جهان، حلقه دوم این جبهه را تشکیل می‌دهند؛ چراکه اصولاً مکتب تشیع از دل اعتراض و مقابله با نظام‌های سلطه‌گر بیرون آمده است. در حلقه سوم این جبهه، سایر مسلمانان که جمعیتی متجاوز از یک میلیارد نفر را تشکیل می‌دهند. در حلقه چهارم نیز، ملت‌های محروم و زجر کشیده غیر مسلمان در جهان سوم قرار دارند؛ ملت‌هایی که طعم استثمار و بهره‌کشی نظام سلطه را در طول چند قرن اخیر کشیده‌اند و در نهایت در حلقه پنجم، توده‌های مردم در کشورهای توسعه یافته قرار دارند؛ آنها که در تأمین نیازهای دولت‌های سلطه‌گرا باید به عنوان سیاهی لشکر مورد استفاده قرار گیرند. نظیر: جنبش‌های ضد جنگ، ضد جهانی‌سازی و ... (همان: ۶۳ - ۶۱)

### نتیجه

انقلاب اسلامی ایران، به دلیل داشتن ماهیت اسلامی دارای جنبه جهان‌شمولی بوده و با نگاه و بینش جهانی خود، نقش‌ها و رسالت‌هایی را در قبال جهان برای خود طراحی کرده و اصولی را به عنوان سیاست خارجی خود برگزیده و در راستای تحقق آنها گام برداشته و برمی‌دارد که باعث شده انقلاب اسلامی، منشأ تأثیرات، تغییرات و تحولات متعددی بر نظام بین‌الملل باشد. از جمله مهم‌ترین این تأثیرات می‌توان به تأثیراتی همچون: به چالش کشیدن و زیر سؤال بردن ساختار سیاسی و کارکرد نظام بین‌الملل، مورد تردید جدی قرار گرفتن اقتدار آمریکایی‌ها در منطقه و جهان، بی‌اعتباری نظام دوقطبی حاکم بر جهان و ارائه راه سوم، جهانی‌سازی مبارزه با صهیونیسم، تغییر راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت، فروپاشی اتحاد شوروی، بیداری اسلامی در منطقه و جهان، اشاره کرد.

انقلاب اسلامی، همچنین با ارائه خط‌مشی و راهبردهایی همچون دعوت از ملت‌ها برای بازگشت به ارزش‌های اصیلشان، بیان آثار سوء و مخرب سلطه قدرت‌های استکباری بر ملت‌ها، اقدام به «ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه در جهان» کرد و به ملت‌های مسلمان این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی است که می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آنها باشد.

در مقابل، قدرت‌های ضد انقلاب و سلطه‌گر (طرفدار وضع موجود به رهبری آمریکا) بلافاصله درصدد برآمدند تا از گسترش انقلاب اسلامی جلوگیری به عمل آورده و در صورت امکان، حتی انقلاب اسلامی را نیز سرنگون نمایند که این تقابل همچنان وجود دارد.

### منابع و مآخذ

۱. آخوندی ممقانی، حسین، *بازتاب انقلاب اسلامی بر راهبردهای آمریکا در منطقه خلیج فارس*، پایان نامه، قم، انتشارات دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

۲. آقایی، سید داوود، ۱۳۸۱، *ایران و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. احمدی، حسین‌پور، ۱۳۸۶، *انقلاب اسلامی و نظام ج.ا.ا. در بازتاب فرایند جهانی شدن همسویی، تقابل یا تعامل*، تهران، نشر عروج.
۴. اردستانی، حسین، ۱۳۷۸، «جنگ تحمیلی، تأثیر تحولات صحنه نبرد بر استراتژی قدرت‌های بزرگ»، *فصلنامه امنیت ملی*، سال اول، شماره اول، پاییز ۷۸.
۵. اسپوزیتو، جان. ال، ۱۳۸۲، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، باز.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۶، *تفسیر سوره حمد*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۳.
۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. باقری، علی، ۱۳۷۶، *مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاتب*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۹. بختیاری، صادق، ۱۳۸۲، *تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک*، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۱۰. برهانی، هادی، ۱۳۷۸، «نگاهی به ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی در میانه راه»، *فصلنامه خاورمیانه*، شماره ۱۹.
۱۱. بوتول، گاستون، ۱۳۷۱، *جامعه‌شناسی صلح*، ترجمه دکتر هوشنگ فرخجسته، تهران، نشر شیفته.
۱۲. بی‌نا، ۱۳۷۸، *دستاورد های عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان*، ج ۱، تهران، مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۱۳. جاویدی، مجتبی، ۱۳۸۵، *قاموس عدالت: بررسی مبانی نظری و عملی مفهوم عدالت در کلام مقام معظم رهبری*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۰، *نظریه عدالت: از دیدگاه فارابی*، امام خمینی، شهید صدر، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۵. حاجی‌حیدر، حمید، ۱۳۸۸، «تحول تاریخی مفهوم عدالت»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۴۵.
۱۶. حسینی اسفیداواجانی، مهدی، ۱۳۸۵، «سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل کنونی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۲۵، خرداد و تیر ۸۵.
۱۷. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۶، «حقوق و عدالت»، *نقد و نظر*، ش ۳-۲، بهار و تابستان.
۱۸. داستانی بیرکی، علی، ۱۳۸۱، *سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تبیان دفتر ۲۸.
۱۹. دامن پاک جامی، مرتضی، ۱۳۸۸، «دیپلماسی انرژی دولت نهم»، *مجموعه مقالات گزارش جمهور؛ مبانی*

- حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
۲۰. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۶۱، *انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم*، تهران، مرکز فرهنگی علامه طباطبایی.
۲۱. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۷۹، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. ساعد، نادر، بی‌تا، *درآمدی بر چارچوبهای مفهومی گفتمان صلح عادلانه*، به نقل از سایت مجمع جهانی صلح اسلامی.
۲۴. ستوده، محمد، ۱۳۸۵، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم، بوستان کتاب.
۲۵. ستوده، محمد و علیرضا دانشیار، ۱۳۸۰، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین‌الملل»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۱۶، زمستان.
۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، «آسیب‌شناسی روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۹، زمستان.
۲۷. سجادی، سیدجعفر، ۱۳۶۱ ق، *فرهنگ علوم عقلی*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۲۸. سلامی، حسین، ۱۳۸۱، «تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات منطقه و جهان»، *مجله اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۴، زمستان ۸۱.
۲۹. سید قطب، ۱۳۷۴، *اسلام و صلح جهانی*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و زین العابدین قربانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۶.
۳۰. صادقی، زهرا، ۱۳۸۸، «تیین دو مفهوم صلح و عدالت و جایگاه آن در سیاست خارجی دولت نهم»، *مجله راهبرد یاس*، شماره ۱۷، بهار ۸۸.
۳۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *تفسیر المیزان*، ج ۱۴، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۳۲. علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۸۳، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۳. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۸۱، *انقلاب اسلامی و بازتاب آن*، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.
۳۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، *انقلاب اسلامی و بازتاب آن*، قم، زلال کوثر.
۳۵. قوام، عبد‌العلی، ۱۳۷۲، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، سمت.
۳۶. کدیور، جمیله، ۱۳۷۴، *رویارویی انقلاب اسلامی در ایران و آمریکا*، تهران، اطلاعات.
۳۷. له دین، مایکل و لوئیس ویلتام، ۱۳۶۲، *هزیمت یا شکست رسوای آمریکا*، ترجمه احمد سمیعی، تهران، نشر ناشر.
۳۸. متقی‌نژاد، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۸، «نقش دولت نهم در پویایی جنبش عدم تعهد»، *مجموعه مقالات گزارش*



جمهوری؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

۳۹. متقی، ابراهیم، ۱۳۷۶، تحولات سیاست خارجی: مداخله‌گرایی و گسترش، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۰. مجرد، محسن، ۱۳۸۶، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۱. مجیدی، محمدرضا، ۱۳۸۸، «دیپلماسی چند جانبه دولت نهم در یونسکو»، مجموعه مقالات گزارش جمهوری؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
۴۲. محمدی، منوچهر، ۱۳۷۷، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دادگستر.
۴۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
۴۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، «دولت نهم و نظام بین‌الملل»، مجموعه مقالات گزارش جمهوری؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
۴۶. معین، محمد، ۱۳۶۲، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران، مؤسسه امیرکبیر.
۴۷. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۴، «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱، تابستان ۸۴.
۴۸. موسوی، سیدجمال‌الدین، ۱۳۸۰، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.
۴۹. مولانا، سیدحمید، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر عدل و صلح، تهران، نشر جمهور.
۵۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، «مؤلفه‌های بنیادین در سیاست خارجی دولت نهم»، مجموعه مقالات گزارش جمهوری؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
۵۱. نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۷۳، مبانی جامعه‌شناختی، تهران، رایزن.
۵۲. هالیدی، فرد، ۱۳۷۸، «انقلاب و روابط بین‌الملل»، ترجمه مسعود اخوان کاظمی، مجله انقلاب اسلامی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۷۸.
۵۳. هلباوی، کمال، ۱۳۹۰، همایش بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران، ۲۸ خرداد.
۵۴. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۷۵، «اهم مسائل مطرح در سازمان ملل متحد و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۴-۳، پاییز و زمستان.



پښتونستان علمي وپښتوون او مطالعات فرښتوونې  
پښتوون جملع علمي وپښتوون